

فصلنامه: علمی - پژوهشی

کلام اسلامی، سال ۲۸،

شماره ۱۰۹، صفحه: ۱۱۷ - ۱۳۴

روش شناسی کلامی محقق اردبیلی

محمد رضا امامی نیا^۱

عادل فرساد دوست^۲

چکیده

مقدس اردبیلی، از علمای به نام شیعه است که علاوه بر مقام شامخ علمی، در زهد و ورع و تقوی ضرب المثل است. ایشان، در کنار مباحث و تحقیقات فقهی، به مباحث اعتقادی نیز اهتمام داشته و کتاب «الحاشیه علی الهیات الشرح الجدید للتجريد» مهم‌ترین اثر کلامی او است. وی در مباحث کلامی روش عقلی - نقلی داشته و بسیاری از مباحث را با براهین عقلی اثبات کرده و در ناسازگاری بین عقل و نقل، از روش تأویل استفاده می‌کند، و در عین حال در جاهای مختلف از روایات بهره می‌گیرد. او در پژوهش‌های کلامی خود از علوم مختلف و مرتبط استفاده کرده و در مواجهه با آراء دیگران جانب انصاف را فرو نمی‌گذارد.

واژه‌های کلیدی: مقدس اردبیلی، روش شناسی، روش کلامی، علوم عقلی، علوم نقلی.

۱. استادیار دانشگاه معارف اسلامی، گروه مبانی نظری اسلام.

۲. دانش پژوه سطح چهار مؤسسه آموزش عالی امام صادق علیه السلام (نویسنده مسئول).

روش شناسی کلامی، راهی برای شناخت روش یک متکلم در منظومه فکری وی می‌باشد. بهره‌گیری از علوم مختلف، میزان استفاده از عقل و نقل و شیوه حل تعارض عقل و نقل و چگونگی برخورد با آثار دیگران از مؤلفه‌های مهم روش شناسی کلامی است. در نوشتار حاضر با توجه به محورهای فوق به روش کلامی محقق اردبیلی می‌پردازد.

۱. شخصیت و آثار

احمد بن محمد اردبیلی مشهور به مقدس اردبیلی در شهر اردبیل به دنیا آمد (امین، ۱۴۰۶، ۳: ۸۱). وی از دایی اش، الیاس اردبیلی در علم هیئت و ریاضیات بهره برد و علوم عقلی را نزد جمال الدین شیرازی (شاگرد محقق جلال الدین دوانی) فرا گرفت، سپس به قصد فراگیری علوم دینی به نجف اشرف مهاجرت کرد و علوم دینی، مخصوصاً فقه و اصول را تحصیل کرد تا اینکه به درجه اجتهاد نائل شد و فقیه نجف، بلکه مرجع شیعیان گردید (سبحانی، ۱۴۲۵، ۳: ۲۶۹). در زهد و ورع و تقوا و امانت چنان پیش رفت که ضرب المثل گردید (خوانساری، ۱۴۱۱، ۱: ۷۹)، و در حق او گفته شد: «در ورع و تقوی و زهد و فضل به غایة القصوی رسیده و در میان متقدمان و متاخران همانند ندارد» (مجلسی، ۱۴۰۳، ۱: ۴۲؛ نیز ر.ک: امین، ۱۴۰۶، ۳: ۸۱) و او را از جمله کسانی دانسته‌اند که افتخار تشرف به محضر امام زمان علیه السلام را یافته‌اند (مجلسی، ۱۴۰۳، ۵۲: ۱۷۵).

نقل شده که هم بحثی او مولی میرزا جان باغنوی از شب تا صبح مطالعه می‌کرد و شیخ مقدس اول شب می‌خوابید سپس هنگام سحر برای نماز شب بلند می‌شد و بعد از فراغ از عبادت، در آنچه باغنوی از اول شب تا آخرش تفکر کرده بود، تفکر می‌کرد و در این تفکر اندک آنچه را باغنوی در آن تفکر طولانی نفهمیده بود، می‌فهمید (امین، ۱۴۰۶، ۳: ۸۲). در حکایت دیگری آمده است، شیخ مقدس هنگامی که به زیارت اباعبدالله الحسین علیه السلام مشرف می‌شد، در نمازهایش بین قصر و تمام احتیاط می‌کرد و در مورد علت آن می‌گفت: طلب علم، واجب است و زیارت، مستحب؛ لذا احتمال دارد سفر من معصیت باشد (خوانساری، ۱۴۱۱، ۱: ۹۰).



صاحب مدارک و صاحب معالم و مولی عبدالله تستری از جمله شاگردان او بودند (امین، ۱۴۰۶، ۳: ۸۱). وی در سال ۹۹۳ق، ق در شهر نجف اشرف از دنیا رفت و در یکی از حجره‌های حرم مطهر امیر المومنین علیه السلام (رو به روی قبر علامه حلی) به خاک سپرده شد (همان، ۸۰؛ سبحانی، ۱۴۲۵، ۳: ۲۷۲).

آثار علمی: مقدس اردبیلی در زمینه فقه، اصول، و کلام آثار مختلفی دارد که بیشتر آنها به صورت حاشیه بر کتب دیگران است و چند اثر مستقل فقهی و کلامی نیز دارد. مهمترین کتاب فقهی وی «مجمع الفائدة و البرهان فی شرح إرشاد الأذهان» است. این کتاب، شرحی جامع بر کتاب «إرشاد الأذهان» علامه حلی است که مباحث فقهی از طهارت تا دیات را شامل می‌شود و نزدیک ۱۵ هزار مساله و فرع دارد (ر.ک: دفتر کنگره، ۱۳۷۵ [الف]، ۲۴۸). حاشیه بر «أنوار التنزیل» بیضاوی و حاشیه بر «الکشاف» زمخسری دو اثر تفسیری ایشان است.

کتب کلامی محقق اردبیلی دو گونه اند: (أ) آثار جامع و در بردارنده همه مسایل اعتقادی از مبدأ تا معاد؛ (ب) آثار غیر جامع که به برخی از مباحث کلامی اختصاص دارد.

۱-۱. آثار جامع کلامی

۱. «الحاشیة علی الھیات الشرح الجدید للتجرید»: فاضل قوشجی در شرحی که بر کتاب «تجرید الاعتقاد» خواجه نصیرالدین طوسی نوشته و به «شرح جدید» معروف است، آرای محقق طوسی درباره امامت امیرالمومنین علیه السلام را نقد کرده است، مقدس اردبیلی در این اثر، به نقدهای او پاسخ داده است.

۲. «اصول دین»: این اثر به زبان فارسی است، و در چهار باب تنظیم شده: ۱. اثبات واجب و صفات ثبوتیه و سلویه در سه فصل؛ ۲. نبوت؛ ۳. امامت؛ ۴. معاد. وی سخن در باب امامت را بسط داده به طوری که این باب، چهار برابر ابواب دیگر می‌باشد (دفتر کنگره، ۱۳۷۵ [الف]، ۱۸۹).

۳. از «اثبات الامامة»، به عنوان یکی از آثار مقدس اردبیلی نام برده شده است. اگرچه بعید نیست که محقق اردبیلی دو یا چند رساله در اصول دین داشته باشد و اما با توجه به این که فصل اول کتاب «اصول دین» مقدس اردبیلی در اثبات واجب و فصل سوم آن در اثبات امامت است، احتمال داده شده که هر دو اثر واحدی است که گاهی از آن به «اثبات الواجب» و گاهی به «اثبات الامامة» یاد شده است (همان،

۴. «حديقة الشيعة»: انتساب این کتاب به محقق اردبیلی مورد اختلاف است. کسانی که مولف کتاب را مقدس اردبیلی می‌دانند، با استناد به اینکه مولف این کتاب از «اثبات الواجب» و «شرح ارشاد فقه» به عنوان دو اثر دیگر خود نام برده است، می‌گویند «شرح ارشاد فقه» همان کتاب «مجمع الفائدة و البرهان فی شرح ارشاد الازهان»، و «اثبات واجب» هم همان «اثبات الواجب» محقق اردبیلی است (همان، ۳۲۸).

این در حالی است که عنوان «شرح ارشاد فقه» با «مجمع الفائدة و البرهان فی شرح ارشاد الازهان» فرق دارد و نمی‌توان به طور یقین گفت این همان کتاب است. در مورد کتاب «اثبات واجب» هم نمی‌توان مطمئن شد که این همان «اثبات الواجب» محقق اردبیلی است، و بر فرض این که این دو کتاب از ایشان باشد، محتمل است کسی که این کتاب را به مقدس اردبیلی نسبت داده نام دو اثر مزبور را در آن درج کرده تا کسی به این انتساب شک نکند.

البته این احتمال در صورتی در خور اعتنا خواهد بود که ادله نفی انتساب کتاب حديقة الشيعة به مقدس اردبیلی، تمام باشد.

برخی از ادله نافی عبارت است از:

الف) تفاوت فاحش سبک نوشتاری «حديقة الشيعة» - که بسیار روان است - با سبک نگارش «اصول الدین».

ب) استفاده از روایات ضعیف و مرسل که با مقام فقهاتی محقق اردبیلی سازگاری ندارد. احادیثی در «حديقة الشيعة» وجود دارد که در هیچ کتاب روایی قبل از آن وجود ندارد (همان، ۳۴۷).

ج) کاربرد الفاظ رکیک و توهین آمیز در مورد شخصیت‌های برجسته‌ای مانند ابن سینا و خواجه نصیر الدین طوسی، که با مقام تقوا و ورع ایشان سازگار نیست (همان، ۳۳۳؛ منسوب به اردبیلی، ۱۴۲۵، ۵۹۲).

د) نقدهای بسیار تند در مورد متصوفه که با آنچه در «اصول دین» و «الحاشية علی الیهیات» آمده منافات دارد، از باب نمونه در «اصول دین»، از بایزید بسطامی که از جمله صوفیان است با احترام یاد می‌کند و او را سقای در امام جعفر صادق علیه السلام

می‌داند و معروف کرخی که یکی دیگر از صوفیان است را دربان حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام می‌داند (اردبیلی، ۱۳۷۵ [ب]، ۳۲۸؛ اردبیلی، ۱۳۷۵ [الف]، ۳۳۲) در حالیکه در حدیقه الشیعة صوفیان بسیار مورد توهین و تهمت واقع شده‌اند و بایزید بسطامی شماتت شده است (منسوب به اردبیلی، ۱۴۲۵، ۵۶۲، ۵۶۷).

۲-۱. آثار کلامی غیر جامع

۱. «تعليقة علی ما قاله الفخر الرازی فی التفسیر الکبیر»: این تعلیقه، پاسخ به دلایلی است که فخر رازی در تفسیر خود بر افضلیت ابابکر آورده است (ر.ک: دفتر کنگره، ۱۳۷۵ [الف]، ۱۹۲).

۲. «رسالة فی کون افعال الله تعالی معللة بالأغراض»: این رساله را افندی (۱۴۳۱، ۵۷: ۱) به محقق اردبیلی نسبت داده و نسخه ای از آن را در ملازندان دیده است، اما در سایر کتب تراجم و کتابشناسی نامی از آن نیامده است. البته آقا بزرگ تهرانی (۱۴۰۳، ۲: ۲۶۰) رساله ای در این موضوع به یکی از اصحاب نسبت داده، که بعید نیست مقصود، محقق اردبیلی باشد. خود مقدس اردبیلی (۱۳۷۵ [ج]، ۶۲۹) هم اشاره به این بحث (افعال الله معللة بالأغراض) کرده است (ر.ک: دفتر کنگره، ۱۳۷۵ [الف]، ۲۴۵)، لذا احتمال دارد که مقدس اردبیلی رساله‌ای به این نام داشته است.

۳. «مجمع البرهان من القرآن»: خود محقق اردبیلی از این کتاب نام برده است (اردبیلی، ۱۳۷۵ [الف]، ۱۵۹)، ولی در هیچ یک از کتاب‌های تراجم و رجال نام چنین اثری از ایشان نیامده است، و محتمل است که مقصود وی، همان کتاب «مجمع الفائدة و البرهان» می‌باشد که به اختصار از آن یاد کرده است.

چند کتاب کلامی هم منسوب به مقدس اردبیلی است:

۱. «ربیع الأنوار فی اثبات حقانیه الأئمة الأطهار»: در هیچ یک از کتب تراجم و کتابشناسی چنین عنوانی را در فهرست آثار محقق اردبیلی ذکر نکرده‌اند و تنها در کتاب «تاریخ اردبیل و دانشمندان، ج ۱، ۵۵» جزء مؤلفات مقدس اردبیلی آمده است (دفتر کنگره، ۱۳۷۵ [الف]، ۲۸۴).

۲. «عقائد الاسلام»: از جمله کتب منسوب به مرحوم اردبیلی است، که در مورد اصول دین و به زبان ترکی آذری است اما در کتب تراجم چنین کتابی را به او نسبت نداده‌اند، بلکه خلاف آن را اثبات کرده‌اند (همان، ۲۴۵).

لازم به ذکر است که مباحث کلامی دو کتاب «مجمع الفائدة و البرهان» و «زبدة البیان» استخراج شده و به همراه بحث‌های رجالی و اصولی ایشان با عنوان «البحوث الرجالية و الكلامية و الاصولية فی مجمع الفائدة و البرهان و زبدة البیان» در یک جلد چاپ شده است. مباحث کلامی این کتاب به شش عنوان تقسیم شده است: اثبات واجب و صفات او؛ عدل و مباحث مرتبط با آن؛ نبوت؛ معاد؛ امامت و نص؛ ایمان و کفر. مهم‌ترین اثر کلامی مقدس اردبیلی، کتاب «الحاشیه علی الهیات الشرح الجدید للتجريد» است. این کتاب مهم‌ترین محور تحقیق در این نوشتار بوده و از دیگر آثار کلامی وی نیز بهره برده شده است.

۲. روش تدوینی و تألیفی

مقدس اردبیلی در هیچ یک از کتب کلامی، بحث را از امور عامه یعنی مبادی تصویری و تصدیقی علم کلام که در میان متکلمان رواج دارد، شروع نمی‌کند. وی مباحث کلامی را در چهار فصل بیان می‌کند:

أ) توحید؛ شامل مباحث: اثبات وجود واجب تعالی، صفات ثبوتیه و سلبیه الهی، قضا و قدر، قاعده لطف، أعضاض، آجال، ارزاق و اصلح.

ب) نبوت؛ شامل مباحث: حسن بعثت، وجوب بعثت، وجوب عصمت، راه شناخت صدق نبی، کرامات و نبوت پیامبر گرامی اسلام ﷺ.

ج) امامت؛ شامل مباحث: وجوب نصب امام، وجوب عصمت و افضلیت امام، که در این باب به طور مفصل تحقیق کرده و به دلائل افضلیت امیرالمومنین علیه السلام پرداخته و روایات بسیاری از شیعه و سنی برای آن نقل کرده و شبهات مخالفان را پاسخ داده و در پایان از وجود نص بر سایرنامه علیه السلام سخن گفته است.

د) معاد؛ شامل مباحث: امکان خلق عالم دیگر، وجوب معاد جسمانی، ثواب و عقاب، احباط و تکفیر، خلود کفار، شفاعت، وجوب توبه و امر به معروف و نهی از منکر.

مقدس اردبیلی در کتاب «الحاشیه علی الهیات» در مبحث «توحید» و «نبوت» آرای قاضی عضد الدین ایچی در کتاب «المواقف» و شارح کتاب مذکور، سید شریف جرجانی و آراء قوشجی در کتاب «الشرح الجدید» را نقد می‌کند، و گاهی هم به شرح کلام محقق طوسی و قوشجی می‌پردازد. در مبحث امامت - که قسمت اعظم این کتاب است - کلام فخر رازی در کتاب «الاربعین فی اصول الدین» - که در آن ادله

شیعه بر امامت علی علیه السلام را رد کرده- و آرای قوشجی را نقل و نقد می کند و صحت آنچه محقق طوسی بر مساله امامت استدلال کرده است را تأیید می کند. وی خلاصه ای از کتاب «المناقب» خوارزمی و کتاب «کفایة الاثر» و بعضی از ابواب کتاب الحجة از «اصول کافی» را در مبحث امامت نقل کرده است. پایان بخش کتاب، مباحث معاد است (اردبیلی، ۱۳۷۵ [الف]، ۲۶-۲۷).

۳. کارکرد علوم مختلف در مباحث کلامی

متکلم برای ایفای رسالت کلامی خود در تبیین و اثبات عقاید دینی و دفاع از آن ها، متناسب با مسائل مختلف از علوم گوناگون عقلی و نقلی بهره می گیرد. مقدس اردبیلی نیز به همین شیوه عمل کرده است. در ادامه، نقش هر کدام از این علوم در مباحث کلامی ایشان مورد بررسی قرار می گیرد:

۱-۳. علوم عقلی

۱-۱-۳. علم منطق

محقق اردبیلی کتاب مستقلى در منطق ندارد اما در آثار مختلف خود به صورت کاربردی از مباحث منطقی مانند انواع حجت های منطقی بهره می گیرد و همچنین از نظر ماده استدلال نیز از صناعات مختلفی مثل برهان و جدل استفاده کرده است که در زیر شواهدی گزارش می شود:

قیاس استثنایی: مقدس اردبیلی سخن کسانی را که می گویند: «انه تعالی لا يعلم نفسه؛ لأنّ العلم نسبة و النسبة لا یکون إلّا بین شیئین متغایرین» با استفاده از قیاس استثنایی رد می کند: «لا یخفی أنّ هذا الدلیل منقوض بحسب الظاهر؛ فإنّه لو صح لدلّ علی عدم علم أحدٍ بنفسه، و هو باطل بالبدیهة» (اردبیلی، ۱۳۷۵ [الف]، ۵۹).

قیاس اقترانی: رویت خدا را بوسیله قیاس اقترانی رد می کند: حق تعالی از جسم و مکان و جهت منزّه است، چیزی قابل رویت است که داری این خصوصیات باشد پس حق تعالی قابل رویت نیست (اردبیلی، ۱۳۷۵ [ب]، ۲۴۸). به بیانی دیگر، خداوند، جسم و جسمانی نیست، چیزی که قابل رویت است، جسم و جسمانی است، خداوند قابل رویت نیست (شکل دوم قیاس اقترانی).

برهان خلف: در کتاب اصول دین به وسیله برهان خلف به ضمیمه برهان امکان و وجوب، وجود خدای متعال را اثبات می کند (همان، ۲۳۴).

۲-۱-۳. معرفت شناسی

معرفت شناسی، در گذشته به عنوان علم مستقلی مطرح نبوده، اما برخی از متکلمان اسلامی در آغاز یا در ضمن مباحث خود پاره ای از مسائل آن را مطرح کرده اند. محقق اردبیلی نیز در خلال مباحث کلامی به برخی از مسایل معرفت شناسی اشاراتی داشته است.

اگرچه محقق اردبیلی در ابطال سفسطه و شکاکیت سخنی ندارد، اما این مطلب از مبانی معرفت شناختی ایشان بوده و شالوده مباحث کلامی ایشان به شمار می‌رود. چنان که این مطلب در مورد عموم متکلمان اسلامی صادق است.

ایشان، علم را به حضوری و حصولی تقسیم کرده و علم حضوری را برتر از علم حصولی می‌داند؛ زیرا انکشاف که ملاک یا حقیقت علم است، در علم حضوری کامل تر است: «فانّ حضور شیء بعینه عند العالم أشدّ انکشافا من حصول صورته و ارتسامه فیه» (همان). یقین را به «اعتقاد جازم مطابق با واقع» تعریف کرده است (اردبیلی، ۱۳۷۵ [ب]، ۲۳۴) و دسترسی به چنین معرفتی را ممکن می‌داند (همان، ۹۸). در مورد ابزار معرفت، علاوه بر ابزار حسی (همان)، معرفت قلبی را نیز قابل اعتبار می‌داند (همان، ۱۱۴)، به عنوان مثال در بحث رویت حق تعالی پس از آنکه شرایط رویت حسی را بیان می‌کند، می‌گوید: رویت حسی خدا به دلیل عدم داشتن شرایط، محال است (همان، ۹۸) و پس از رد قول کسانی که به رویت حسی حق تعالی قائل اند، منظور از رویت خدا در اخبار را رویت قلبی می‌داند (همان، ۱۱۴-۱۱۵).

مقدس اردبیلی قلمرو معرفت را محدود به مادیات و محسوسات نمی‌داند بلکه معتقد است غیر محسوسات را نیز می‌توان با دلیل عقلی اثبات، و با قلب ادراک کرد (همان).

اگرچه محقق اردبیلی در ابطال سفسطه و شکاکیت سخنی ندارد، اما این مطلب از مبانی معرفت شناختی ایشان بوده و شالوده مباحث کلامی ایشان به شمار می‌رود. چنان که این مطلب در مورد عموم متکلمان اسلامی صادق است.

۳-۱-۳. فلسفه

محقق اردبیلی در آثار خود درباره قواعد و مسائل فلسفی بحث نکرده است، ولی از اصول و قواعد فلسفی در برخی از مسائل کلامی بهره گرفته است. به عنوان نمونه: با استفاده از قاعده «لا بد من اجتماع الفاعل المؤثر وجوداً مع معلوله» حدوث عالم را

اثبات می‌کند (اردبیلی، ۱۳۷۵ [الف]، ۴۰). با بهره‌گیری از قاعده «تفی اجتماع فاعل و قابل» عینیت ذات و صفات را این‌گونه به اثبات می‌رساند که: «اگر صفات زائد بر ذات باشند) علت می‌خواهد و علت غیری نمی‌تواند بود و آن ظاهر است و اگر خدای تعالی باشد لازم می‌آید که یک چیز هم فاعل باشد و هم قابل، و ثابت شده که یک چیز این هر دو نمی‌تواند بود» (اردبیلی، ۱۳۷۵ [ب]، ۲۴۴).

وی با توجه به این که محال عقلی مورد تعلق قدرت قرار نمی‌گیرد، صدور کلام لفظی از خدا را و لو به نحو خرق عادت، محال می‌داند: «فإن خرق العادة إنما يكون في الممكن» (اردبیلی، ۱۳۷۵ [الف]، ۸۰).

مقدس اردبیلی در مباحث کلامی، روش اجتهادی و مستقل دارد، بر این اساس در مسائل اختلافی میان فلاسفه و متکلمان، گاهی دیدگاه متکلمان را برگزیده و گاهی رأی فلاسفه را ترجیح داده است. از باب مثال: بر خلاف فلاسفه، قدیم بودن عالم را رد کرده و به تبع خواجه نصیر، حدوث عالم را اثبات می‌کند (همان، ۳۹). در بحث قدرت خدا، تعریف فلاسفه از قدرت را رد می‌کند؛ زیرا باعث می‌شود خدا فاعل موجب شود (همان، ۴۱)، اما اراده حق تعالی را همانند حکما از صفات ذاتی و عین علم حق به نظام احسن می‌داند (همان، ۶۶).

۳-۱-۴. علوم طبیعی

محقق اردبیلی در آثار کلامی خود، از مسائل علوم طبیعی، استفاده نکرده است.

۳-۲. علوم نقلی

۳-۲-۱. ادبیات

محقق اردبیلی، در مباحث کلامی از مباحث ادبی و لغت بر حسب نیاز استفاده کرده است که چند نمونه گزارش می‌شود:

أ) در مورد صفت تکلم، کلام الهی را به معنای ایجاد صوت و حروف معنا می‌کند و معتقد است متکلم کسی است که تکلم از او صادر شده باشد نه آنکه کلام به او قائم باشد. سپس می‌گوید: «این معنا از لغت و عرف ظاهر است؛ چه کلام نزد همه کس عبارت از سخن است... و در لغت، به کسی متکلم می‌گویند که تکلم که مصدر است به او قائم باشد نه چیزی را که حروف و صوت به او قائم باشد، و این معنا نزد اهل علم و شخصی که صرف می‌داند، ظاهر است» (اردبیلی، ۱۳۷۵ [ب]، ۲۴۲).

ب) وی با توجه به اینکه جمع محلی به «ال» افاده عموم می‌کند در مورد آیه «لا ینال عهدی الظالمین» (بقره: ۱۲۴) می‌گوید: «هیچ شکی نیست که معنای آیه، نفی امامت و عدم ثبوتش برای هر کسی است که در وقتی از اوقات و حالی از حالات ظلم کرده باشد، و به طور کلی به خاطر اینکه جمع محلی به «ال» افاده عموم می‌کند، متبادر از آیه، سلب کلی نسبت به تمام احوال و ازمان است» (اردبیلی، ۱۳۷۵ [الف]، ۲۳۷).

ج) در استدلال به آیه ولایت: «انما ولیکم الله ورسوله...» (مائده: ۵۵) بر امامت امیرالمومنین علیه السلام، از دلالت «انما» بر حصر استفاده کرده و گفته است: «ولی» به معنای محب و ناصر نیست؛ زیرا در این صورت لازم می‌آید «انما» در آیه غلط به کار رفته باشد به جهت اینکه محب و ناصر به مؤمنانی که اقامه صلاة می‌کنند و در حال رکوع، زکات می‌دهند، اختصاص ندارد، بلکه همه مؤمنان محب و ناصر یکدیگرند (همان، ۲۱۶).

د) در مورد نفی رؤیت خدا در آیه «فان استقر مکانه فسوف ترانی» (اعراف: ۱۴۳) با استفاده از معنای «فاء» و «إن» می‌گوید: با توجه به اینکه «فاء» برای تعقیب، و «إن» برای تعلیق شرط بر جزا می‌باشد معنای آیه این است که اگر کوه پس از تجلی خدا بر آن استقرار داشت، رؤیت حق تعالی هم ممکن است، اما چون کوه مندرک شد پس رؤیت خدای متعال هم امکان ندارد (همان، ۱۰۰).

۲-۲-۳. اصول فقه

کاربرد مسائل و قواعد اصول فقه، در کلام نقلی است؛ یعنی آنجا که متکلم برای ایفای رسالت کلامی خود، از آیات و روایات بهره می‌گیرد. مقدس اردبیلی در مباحث مختلف، مخصوصاً در مبحث امامت و در پاسخ به نقدهای قوشجی بر محقق طوسی، از قواعد اصول فقه بهره فراوانی گرفته است، که نمونه‌هایی بازگو می‌شود:

أ) خبر واحد: در پاسخ به قوشجی که حدیث «خوت» را نمی‌پذیرد، چون خبر واحد است، می‌گوید: «لا یضّر کونه خبراً واحداً؛ فإنّه حجة شرعیة یتبث بها الأموال و قتل النفس و البضع» (اردبیلی، ۱۳۷۵ [الف]، ۲۳۱).

ب) اجماع: محقق اردبیلی در مورد مقصود از اجماع می‌گوید: «فإنّه اجتماع علماء جمیع الدنیا فی عصر واحد» (همان، ۲۲۱). در جای دیگر می‌گوید: «إنّ الاجماع لا یتحقق مع وجود الخلاف من عظماء العلماء» (دفتر کنگره، ۱۳۷۵ [ب]، ۴۸۳)، و مثال

می‌زند به صلاة واجب و رکوع در نماز واجب (همان)، که از این مثال فهمیده می‌شود منظور او از علماء، علمای امت اسلامی است. اما در مورد ملاک حجیت آن می‌گوید: «...لأنّ الإجماع أيضا حجة قطعية عندنا... و أن ليس الاختلاف في حجيته بعد العلم بتحقيقه، كيف و عندنا الإمام داخل فيه، فإنكاره إنكار الإمام عليه السلام، فهو إنكار النبي صلى الله عليه وآله» (همان).

محقق اردبیلی معتقد است چنین اجماعی در مورد خلافت ابوبکر - که اهل سنت ادعا می‌کنند - هرگز تحقق نیافته است؛ چون اکثر اهل مدینه و مردم بلاد دیگر و حضرت علی عليه السلام و اکثر بنی هاشم در سقیفه حضور نداشتند و ادعای چنین اجماعی بر خلافت ابوبکر از عجائب و غرائب است (همان). ایشان پس از ادله وجوب نصب امام می‌گوید: «علی أنه لا شك في إجماع الإمامية على ذلك، و هو حجة» (اردبیلی، ۱۳۷۵ [الف]، ۱۸۰). و در مورد افضلیت علی عليه السلام بر ابوبکر می‌گوید: «سبق إسلامه علی إسلام أبي بكر إجماعی» (همان).

ج) استصحاب: کلام قوشجی را که می‌گوید: حدیث «استخلاف علی عليه السلام در مدینه» بر بقای جانشینی او تا بعد از وفات پیامبر (ص) دلالت ندارد، با توجه به اصل استصحاب رد می‌کند (همان، ۲۳۰)، یعنی چون حضرت علی عليه السلام خلیفه پیامبر صلى الله عليه وآله در مدینه در زمان حیات ایشان بوده، حال بعد از وفاتشان اگر شک کنیم که آیا خلیفه پیامبر صلى الله عليه وآله هست یا نه؟ این خلافت را استصحاب می‌کنیم.

د) قاعده اولویت: با استناد به قاعده اولویت، بیعت را به عنوان راه تعیین امام ابطال کرده و گفته است وقتی با «بیعت» نمی‌توان کسی را به قضاوت منصوب کرد، به طریق اولی نمی‌توان کسی را با آن به امامت جامعه منصوب کرد (همان، ۲۲۷)؛ زیرا منصب قضاوت فرع و شعبه‌ای از منصب امامت است، پس وقتی منصب قضاوت را نتوان با بیعت کردن، به کسی واگذار کرد به نحو اولی نمی‌توان با بیعت کسی را به امامت منصوب کرد.

ه) اطلاق: قوشجی می‌گوید مراد از ظلم در آیه «لا ینال عهدی الظالمین» (بقره: ۱۲۴)، هنگام امامت است، مقدس اردبیلی در نقد وی به قاعده اطلاق استناد کرده و گفته است: «متبادر» از آن، سلب کلی نسبت به تمام احوال و اشخاص و از زمان می‌باشد (اردبیلی، ۱۳۷۵ [الف]، ۲۳۸)؛ یعنی اگر کسی حتی مرتکب یک ظلم شده باشد چه قبل از امامت و چه بعد از آن، شایستگی امامت را ندارد، اگرچه توبه کرده

باشد؛ زیرا اطلاق آیه شامل حال او خواهد بود.

۳-۲-۳. تاریخ

مسائل و وقایع تاریخی در برخی از مباحث کلامی، مانند نبوت و امامت، نقش موثری دارد، چنان که در مباحث مربوط به ادیان و مذاهب نیز رهگشا می‌باشد و متکلمان معمولاً در چنین مباحثی از آن بهره برده‌اند. محقق اردبیلی نیز به ویژه در مباحث امامت از آن بهره گرفته است که نمونه‌هایی را باز می‌شود:

أ) امامت: برای اثبات امامت علی علیه السلام با نقل وقایع تاریخی به شرح برخی روایات در باب ولایت ایشان می‌پردازد، مثل حدیث غدیر و عدم شهادت انس بن مالک و زید بن ارقم و مبتلا شدن به برص و کوری (همان، ۲۱۹).

ب) افضلیت: در مورد برتری علی علیه السلام بر سایر صحابه شمار زیادی از فضایل امیرالمومنین علیه السلام را نقل کرده است، مثل: حکایت برادری علی علیه السلام با رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم (همان، ۲۳۱)، نقل قصه‌ی طیر، که به رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم پرنده‌ای هدیه داده شده بود و حضرت دعا کردند خدایا محبوب‌ترین خلق خود را در خوردن این پرنده با من شریک کن (دفتر گنگره، ۱۳۷۵ [ب]، ۳۳۸)، کندن در خیبر (اردبیلی، ۱۳۷۵ [ب]، ۳۲۸) و حدیث اخوت و نقل واقعه آن (همان، ۲۳۱). وی با بیان مطاعن زیادی از هر سه خلیفه عدم صلاحیت آنان را بر تصدی امر خلافت اثبات کرده است (اردبیلی، ۱۳۷۵ [الف]، ۲۱۴ و ۲۳۹، همو، ۱۳۷۵ [ب]، ۱۳۷۵، ۲۹۹، ۳۳۰، ۳۱۱، ۳۱۲، ۳۱۳).

ج) یکی از دلایل نبوت پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم ظهور معجزات فراوان به دست ایشان است. مقدس اردبیلی در این بحث نیز از گزارش‌های تاریخی بهره گرفته است، مانند: دو نیم کردن ماه، سخن گفتن سنگ ریزه در دست آن حضرت صلی الله علیه و آله و سلم (اردبیلی، ۱۳۷۵ [ب]، ۲۵۴)، سخن گفتن آهو، ناله کردن درخت خرما وقتی که حضرت خود را از او جدا کرد (همان، ۲۵۵). وی معتقد است گرچه هر یک از این گزارش‌ها در حد تواتر نیست، اما قدر مشترک آن‌ها این است که معجزه توسط آن حضرت قطعاً محقق شده است (همان).

۴. جایگاه معرفت عقلی در روش کلامی مقدس اردبیلی

مسائل اعتقادی از نظر استدلال عقلی به سه دسته تقسیم می‌شوند:

اول: مسائلی که استدلال عقلی یگانه طریق آنهاست. اعتقاداتی که اثبات وحی و نبوت مبتنی بر آنهاست، از این دسته اند. دوم: مسائلی که استدلال عقلی یگانه طریق اثبات آنها نیست، بلکه از طریق نقل و حیانی نیز می توان آنها را اثبات کرد، مانند توحید و اثبات اصل معاد. سوم: مسائلی که استدلال عقلی در آنها راه ندارد، مانند تفصیل مربوط به معاد و حیات اخروی.

مقدس اردبیلی، نه تنها در مسائل دسته اول از استدلال عقلی استفاده کرده، بلکه در دسته دوم نیز از تفکر و استدلال عقلی به خوبی بهره گرفته است، در این جا نمونه‌هایی گزارش می‌شود:

(أ) توحید ذاتی خداوند: محقق اردبیلی توحید را به نحو عقلی این گونه اثبات می‌کند: خداوند متعال شریک ندارد؛ زیرا محال لازم می‌آید؛ چرا که اگر یکی اراده حرکت جسمی را بکند و دیگری اراده سکون آن را، اگر مراد هر دو برآید یا مراد هر دو بر نیاید یا مراد یکی از آن دو برآید در هر صورت منجر به محال خواهد شد (اردبیلی، ۱۳۷۵ [ب]، ۲۴۵).

(ب) غنای ذاتی حق تعالی؛ وی بیان می‌کند کسی که محتاج به غیر باشد ناقص است و موجود ناقص نمی‌تواند خدا باشد، پس حق تعالی غنی بالذات است (همان، ۲۴۸).

(ج) پیراستگی خداوند از حیّز و مکان، وی در این باره چنین گفته است: موجودی که دارای حیّز است، یا بُعدی دارد که با آن متحد است یا سطحی وجود دارد که او را در بر می‌گیرد، و این دو، بر خداوند متعال محال است؛ زیرا با وجوب بالذات منافات دارد (دفتر گنگره، ۱۳۷۵ [ب]، ۳۱۳).

(د) تنزه پیامبران الهی از صفات مذموم و نفرت‌آور و شغل‌های پست را نیز با عقل ثابت کرده است (همان، ۲۵۶).

(ه) امامت امیرالمومنین علیه السلام: حضرت علی علیه السلام افضل و اعلم و ازهد و اعبد مردم و... و اقرب الناس به رسول الله بود پس او فقط شایسته جانشینی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می‌باشد (اردبیلی، ۱۳۷۵ [ب]، ۲۵۸).

(و) امکان معاد: بر اساس قاعده عقلی «آسان تر بودن اعاده از پیدایش نخست»، بر امکان معاد استدلال کرده است: «کسی که جایز می‌داند که اولاً کسی تواند بود که

آفریده شود، جایزش می‌باید دانست به طریق اولی که اعاده شود؛ چه اعاده آسان تر است از ابتدای خلقی که هیچ نبوده» (همان، ۳۶۰).

وی، در بسیاری از مباحث کلامی در ابتدا ادله عقلی بر اثبات مدعا اقامه می‌کند و سپس ادله نقلی را به عنوان تائید و شاهد می‌آورد. مثلاً در بحث اثبات قدرت حق تعالی بعد از اثبات قدرت با دلیل عقلی، آیه «إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» (نور: ۴۵) را نقل می‌کند (اردبیلی، ۱۳۷۵ [الف]، ۴۱).

در مورد وجوب نصب امام پس از دلایل عقلی، به آیه «اطيعوا الله و اطيعوا الرسول و اولی الامر منکم» (نساء: ۵۹) تمسک کرده و بیان می‌کند حدیث «من مات ولم يعرف امام زمانه مات میتة جاهلیة» (خزاز رازی، ۱۴۰۱، ۲۹۶) و مانند آن، دلالت بر وجوب متابعت امام و وجوب معرفتش دلالت می‌کند و آن فرع بر وجوب نصب امام است (اردبیلی، ۱۳۷۵ [الف]، ۱۸۰). در بحث حسن و قبح عقلی آیه «و ما كنا معذبين حتى نبعث رسولا» (اسراء: ۱۵) و آیه «قل ان الله لا یأمر با لفحشاء» (اعراف: ۲۸) را به عنوان شاهد بر عقلی بودن حسن و قبح می‌آورد (دفتر گنجره، ۱۳۷۵ [ب]، ۳۱۳).

محقق اردبیلی در تعارض بین عقل و ظواهر، عقل را مقدم می‌کند و ظواهری را که مخالف عقل صریح باشد به تأویل می‌برد. مثلاً در بحث رؤیت حق تعالی می‌گوید: چیزی که مکان و جهت ندارد، امتناع رؤیت آن با چشم از امور بدیهی است، پس اگر نقلی صحیح دلالت کند بر امکان رؤیت حق تعالی، چاره ای نیست که آن را به تأویل ببریم، مثل اینکه آن را بر ادراک علمی و انکشاف تام حمل کنیم (اردبیلی، ۱۳۷۵ [الف]، ۹۹). در مورد اینکه امام باید افضل باشد چنین دلیل می‌آورد: «تقدیم المفضل قبیح بل تقدیم المساوی أيضا، بل محال لا یصدر عن الله تعالی» (همان، ۲۰۸).

۵. جایگاه معرفت نقلی در روش کلامی محقق اردبیلی

محقق اردبیلی در عین اینکه چیزی را بر خلاف عقل صریح نمی‌پذیرد، در مقابل روایات، بسیار متواضع است و می‌گوید: «هر چه پیغمبر ﷺ فرموده همه حق و صدق است و کذب و غیر واقع بودن آن محال است» (اردبیلی، ۱۳۷۵ [ب]، ۳۶۲).

همان گونه که در بحث پیشین بیان شد، بهره گیری از روش نقلی و حیانی (آیات و روایات) در عقاید دینی دو کاربرد دارد، یکی عقایدی که عقل توانایی فهم آن‌ها را ندارد، مانند تفصیل مربوط به عالم قیامت که روش نقلی، بی بدیل است، و دیگر،

عقایدی که عقل توانایی فهم آن‌ها را دارد، و در عین حال، اثبات نقلی نیز متوقف بر آن‌ها نیست، و اثبات آن عقاید از طریق نقل نیز، منطقی و معقول است، مانند جزئیات مربوط به صفات پیامبران و اثبات امامت و صفات امام و اثبات اصل معاد.

کاربرد نقل، در عقاید دسته اول، همگانی است، و از ویژگی‌های روش کلامی فرد خاصی به شمار نمی‌رود، ولی کاربرد نقل در عقاید دسته دوم را می‌توان معیار روش شناسی متکلمان به شمار آورد، که به چه اندازه از آن بهره برده‌اند، و شیوه بهره‌گیری آنان چگونه بوده است؛ آیا نخست روش عقلی را به کار برده‌اند و روش عقلی را مکمل و موید آن قرار داده‌اند یا بالعکس.

مقدس اردبیلی در بحث صفات حق تعالی، نخست به روش عقل استدلال می‌کند، سپس دلیل نقلی را به عنوان شاهد و موید می‌آورد، به عنوان مثال در مورد صفت علم می‌گوید: خدا به هر چیزی عالم است؛ زیرا جهل نقص است و نقص بر خدای متعال روا نیست، سپس آیه «إِنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ» (مجادله: ۷) را به عنوان شاهد می‌آورد (اردبیلی، ۱۳۷۵ [ب]، ۲۳۸).

همچنین، با ادله عقلی ثابت می‌کند امام باید معصوم باشد، سپس آیه «لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ» (بقره: ۱۲۴) را شاهد می‌آورد (اردبیلی، ۱۳۷۵ [الف]، ۲۰۰-۲۰۵).

در مبحث امامت بلا فصل بعد النبی ﷺ نیز در ابتدا دلیل عقلی بر امامت بلا فصل امیرالمومنین ع می‌آورد (اردبیلی، ۱۳۷۵ [ب]، ۲۵۸-۲۶۰) سپس آیه ولایت را ذکر کرده و به آن استدلال می‌کند (همان، ۲۶۲-۲۶۵)، و بعد از آن حدیث منزلت، حدیث رایة، حدیث غدیر و... را برای اثبات امامت ایشان می‌آورد (همان، ۲۶۵-۲۷۰).

مقدس اردبیلی به مناسبت از آیات در مباحث کلامی بهره برده است به عنوان مثال:

در مورد اینکه امام نباید ظالم باشد تمسک به آیه «وَلَا تَرْكُنُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا» (هود: ۱۱۳) تمسک می‌کند، و با توجه به معنای «رکون» که «میل قلیل» می‌باشد، بیان می‌کند وقتی آیه تصریح می‌کند به ظالم میل اندک هم نداشته باشید، چگونه انسان عاقل و جوب اتباع مردم در امور دین و دنیا را از کسی که معصوم نیست و به خود و دیگران ظلم کرده، جایز بداند؟ (اردبیلی، ۱۳۷۵ [الف]، ۲۲۶).

وی در مورد دلالت آیه «وَلَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ» (بقره: ۱۲۴) بر نفی امامت

کسی که حتی یک لحظه متصف به ظلم باشد، به قول مفسران اعم از شیعه و سنی استناد می‌کند (اردبیلی، ۱۳۷۵ [الف]، ۲۲۶).

هچنین گاهی خود وی، آیه‌ای را تفسیر می‌کند و از آن در بحث کلامی بهره می‌جوید. مثلاً آیه «لمسجد اسس علی التقوی من اول یوم احق ان تقوم فیه» (توبه: ۱۰۸) را تفسیر کرده و از آن افضلیت امام را بدست می‌آورد (همان، ۲۳۴). و با تفسیر آیه «فسوف یاتی الله بقوم یحبهم و یحبونه» (مائده: ۵۴) امامت امیرالمومنین علیه السلام را اثبات می‌کند (دفتر کنگره، ۱۳۷۵ [ب]، ۳۳۶)، و در مورد آیه «انما ولیکم الله و رسوله والذین آمنوا» (مائده: ۵۵) می‌گوید: مفسران اجماع دارند که این آیه در شأن علی علیه السلام نازل شده است (همان، ۳۴۰).

وی در برخی موارد فقط از دلایل نقلی استفاده می‌کند. مثلاً در رد دیدگاه قوشچی «مع اباحتہ (اباحه نکاح خواهر و برادر) فی شریعة آدم و نوح علیهما السلام» می‌گوید: صحت این مطلب معلوم نیست، و آنچه در برخی روایات آمده این است که خداوند با فرستادن حوری بهشتی، زمینه تکثیر اولاد را ایجاد کرد (اردبیلی، ۱۳۷۵ [الف]، ۱۷۷).

همچنین وجوب معاد را نخست با ادله نقلی اثبات می‌کند، سپس ادله عقلی اقامه می‌کند (اردبیلی، ۱۳۷۵ [ب]، ۳۵۹-۳۶۰).

۶. شیوه مواجهه مقدس اردبیلی با فرق و آراء کلامی

محقق اردبیلی، در خلال مباحث کلامی خود، به نقل و بررسی آرای بسیاری از عالمان و متکلمان پرداخته است که ابوالحسن اشعری (همان، ۱۴۱)، جاحظ، کعبی، ابوالحسین از معتزله (همان، ۱۸۰)، زیدیه (همان، ۱۸۱) احمدبن حنبل (همان، ۳۲۰ و ۳۲۱)، تفتازانی (همان، ۱۱۳، ۱۱۴، ۱۳۳، ۱۴۷، ۱۵۰، ۱۵۲، ۱۶۴ و ۲۲۵)، بیضاوی (همان، ۲۰۶، ۲۲۶ و ۳۹۲)، جبّایی (همان، ۳۳۱ و ۴۸۴)، زمخشری (همان، ۲۰۶، ۲۲۶، ۳۷۷، ۳۹۲ و ۴۱۱) و عبدالرحمان ایجی (همان، ۱۷۹) از آن جمله‌اند.

مقدس اردبیلی در نقد آرای مخالفان در عین رعایت ادب و احترام، در برخی موارد به علت اصلی انکار حق از جانب آنها اشاره می‌کند، مثلاً در جواب کلام قوشچی که می‌گوید: «اگر در مورد این امر مهم (امامت) نصوص معتبری بود حتماً به نحو تواتر به ما رسیده بود» می‌گوید انکار این نصوص به خاطر عدم سماع نیست بلکه به

جهت طمع در دنیایی است که یا برای خود می‌خواستند یا برای نزدیکان خود یا... (اردبیلی، ۱۳۷۵ [الف]، ۲۱۰) و بیان می‌کند کسانی که امام حسین علیه السلام را شهید کردند می‌دانستند حق با اوست اما چون مال و ملک و بلاد با یزید و اصحابش بود با فرزند رسول خدا صلی الله علیه و آله جنگیدند (همان، ۲۱۳).

محقق اردبیلی در مواجهه با آرای دیگران جانب انصاف را کاملاً رعایت می‌کند و در شرح کلام محقق طوسی هر جا تشخیص دهد حرف خواجه صحیح نیست، کلام وی را منطقی و مستدل رد می‌کند. مثلاً در مورد اینکه محقق طوسی می‌گوید: «فعل واجب باید به قصد و جوب یا به قصد وجه و جوب انجام گیرد»، می‌گوید: «دلیل ذلک غیر تام... و بالجمله یکفی کونه لله و امثالاً لأمره و نهیه و أما الزائد علی ذلک فلا» (همان، ۴۶۵). و همچنین در مورد ثواب که خواجه طوسی می‌گوید شرط استحقاق ثواب این است که فعل یا اخلال به آن شاق باشد، مقدس اردبیلی در رد کلام او می‌گوید: «ما نعرف شرطاً زائداً علی کونه واجباً أو مندوباً و ترک حراماً أو مکروه و دعوی أن ذلک لابد أن یکون شاقاً لیست بضروریة» (همان).

نتیجه

محقق اردبیلی در مباحث کلامی، از روش عقلی - نقلی بهره گرفته است. در مباحثی که صبغه عقلی آن‌ها غالب است روش عقلی را مقدم داشته و در بحث‌هایی که صبغه نقلی آن‌ها غالب است، روش نقلی را مقدم کرده است، چنان که به مقتضای حال، یعنی برهانی یا جدلی بودن بحث نیز این قاعده را رعایت کرده است. در تعارض عقل و نقل، جانب عقل را گرفته و نقل را تأویل کرده است، و متناسب با موضوعات مورد بحث، از علوم مختلف عقلی و نقلی نیز بهره برده است، و با توجه به جایگاه ممتازی که در علم و عمل داشته، نقش بسزایی را در تبیین معارف اهل بیت علیهم السلام و دفاع از مذهب امامیه، ایفا کرده است.

۱. اردبیلی، مولی احمد، ۱۳۷۵ش [الف]، *الحاشیه علی الهیات الشرح الجدید للتجريد*، قم، انتشارات کنگره مقدس اردبیلی.
۲. اردبیلی، مولی احمد، ۱۳۷۵ش [ب]، *هفده رساله*، قم، دفتر کنگره مقدس اردبیلی.
۳. اردبیلی، مولی احمد، ۱۳۷۵ش [ج]، *زبدة البیان*، قم، دفتر کنگره مقدس اردبیلی.
۴. افندی، میرزا عبدالله بن عیسی بیگ، ۱۴۳۱ق، *ریاض العلماء و حیاض الفضلاء*، تحقیق: سید احمد حسینی اشکوری، بیروت، مؤسسة التاریخ العربی.
۵. آقا بزرگ تهرانی، محمد محسن، ۱۴۰۳ق، *الذریعة إلی تصانیف الشیعة*، بیروت، دار الأضواء.
۶. امین، سید محسن، ۱۴۰۶ق، *اعیان الشیعة*، بیروت، دارالتعارف للمطبوعات.
۷. خزاز رازی، علی بن محمد، ۱۴۰۱ق، *کفاية الأثر فی النصّ علی الأئمة الاثنی عشر*، تحقیق: عبداللطیف حسینی کوهکمری، قم، بیدار.
۸. خوانساری، میرزا محمد باقر موسوی، ۱۴۱۱ق، *روضات الجنات*، بیروت، الدار الاسلامیة.
۹. دفتر کنگره مقدس اردبیلی، ۱۳۷۵ش [الف]، *شرح حال مقدس اردبیلی و معرفی تألیفات او*، قم، دفتر کنگره مقدس اردبیلی.
۱۰. دفتر کنگره مقدس اردبیلی، ۱۳۷۵ش [ب]، *البحوث الرجالیة و الکلامیة و الاصولیة فی مجمع الفائدة و البرهان و زبدة البیان*، قم، دفتر کنگره مقدس اردبیلی.
۱۱. سبحانی، جعفر، ۱۴۲۵ق، *معجم طبقات المتکلمین*، قم، مؤسسة الإمام الصادق علیه السلام.
۱۲. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، ۱۴۰۳، *بحار الأنوار*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۱۳. منسوب به اردبیلی، المولی احمد، ۱۴۲۵ق، *حدیقة الشیعة*، قم، انتشارات انصاریان.